

مصوبه بی سابقه ورود به دانشگاه‌های نوآور

تصویب نهایی آیین نامه جامع بازار فناوری و سراهای نوآوری در هیات امنای

صفحه ۴ را بخوانید



ثبت نام داوطلبان برای مجلس یازدهم تمام شد
ترکیب کاندیدها چگونه است؟

چهره‌ها آمدند ایده‌ها نه!

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
تهران ۴۰۰۰ تومان
شهرستان‌ها و واحدهای
دانشگاهی ۵۰۰ تومان

فرهنگستان

شماره مسلسل ۳۶۶۴
پخشیه ۱۷ آذر ۱۳۹۸
۱۱ ربيع الثانی ۱۴۴۱
۸ دسامبر ۲۰۱۹
شماره ۲۹۲۶

www.fdn.ir | Sun | 08 Dec 2019 | vol.10 | No. 2926 | 16 Pages



سیدابراهیم رئیسی تنها رئیس قوه‌ای بود که در روز دانشجو میان دانشجویان رفت

پاسخ به دانشگاه

روحانی غایب بزرگ روز دانشجو

عکس: علی شیریند ایران

فهرست پیشنهادی «فرهنگستان» از مستندهای سیزدهمین جشنواره حقیقت جرات، غایب «جشنواره حقیقت»

۱۳، ۱۲

۳ میلیون متر مربع شهرفروشی در ۴ سال

۱۶

نقدی بر یادداشت اخیر علی‌علیزاده درباره تفکر اقتصادی رهبر انقلاب مخالف چپ دولت سالار و تعدیل نئولیبرال

۷، ۱

یادداشت ۲

درباره حاشیه‌های اخیر مالیات از فعالیت هنری

تجارت هنر را از خلق هنر جدا کنید

کم حرف، کم ادعا و کم توقع راد در سردارد. هر چند با معافیت مالیاتی به دلایل مختلف از جمله فسادپذیری اش به صورت کلی موافق نیستیم، اما خارج شدن طرح مالیات هنرمندان را هم حتی اگر به دلایل انتخابی باشد، به فال نیک می‌گیرم و با آن در شرایط فعلی کاملاً موافقم. بسیاری از هنرها از جمله هنرهای تجسمی، نقاشی، گرافیک، خطاطی و خوشنویسی، مجسمه‌سازی، صنایع دستی، طراحی فرش، هنرهای نمایشی و تئاتر، مرمت و بازسازی، عکاسی، آلبوم‌سازی و... مهم‌ترین مشتریان شان نهادهای دولتی اند و بدون حمایت‌های دولتی، به سرعت ناپدید می‌شوند و از بین خواهند رفت. وظیفه دولت است حامی آثار چنین هنرمندانی باشد که هویت ملی را خلق و حمایت می‌کند. شناسایی و حمایت از هنرهای روحانی چه شد؟ به سر قلم کاری، نگارگری، مکتب، تزیین، سفالگری، سرامیک و موسیقی اصیل نواحی و رقص و هنرهای آیینی و بومی و محلی و حتی خوشنویسی، نقاشی، مینیاتور، صنعت نشرو... بدون حمایت دولتی چه خواهد آمد؟ هنر و آنچه مربوط به هنر است، اگر معافیت مالیاتی نداشته باشند، شرکت‌های بزرگ با چه توجیهی از این هنرها حمایت کنند؟ و اگر این هنرهای اصیل و ایرانی نابود شوند، خسارت معنوی یک تاریخ را کدام حزب و نهاد برعهده خواهد گرفت؟ این هنرها به دلایل مختلف از جمله گرانی ذاتی آن که ناشی از محدودیت تولید است، تبدیل به بازار پرسود نشده‌اند. مردم با در زرز و برق هنرهای مدرن و وارداتی مغرورند و با توان اقتصادی حمایت از چنین آثاری را ندارند. بدون حمایت‌های دولتی، مطمئناً فرزندان ما بسیاری از این هنرها را فقط در کتاب‌ها خواهند خواند و به گذشتگان خود نفرین خواهند فرستاد. واضح است آنچه طراحان و مخالفان معافیت مالیاتی را به تکاپو انداخته که از هنرمندان مالیات گرفته شود، گردش مالی سرسام‌آور چندفیلیم و سریال است که بیشتر در منظر و مرئی عموم است و کمتر از هزار نفر از هنرمندان، پیشنهاد می‌دهد و حساب حساب هنرمندان را از سوداگران و تاجران هنر جدا کند و اگر تشخیص این مهم زمان بر و هزینه‌بر است، می‌توان مالیات را به صورت پلکانی لحاظ کرد تا هنرمندان خرد و کم‌درآمد به چوب تاجران پرسرود و اکم‌التفاوت به حاق هنر، رانده نشوند.

نقدی بر یادداشت اخیر علی‌علیزاده درباره تفکر اقتصادی رهبر انقلاب مخالف چپ دولت سالار و تعدیل نئولیبرال

نخست‌وزیری نبود، ولی در دوره اول چندان هم با معرفی او به عنوان نخست‌وزیر مشکل نداشت. چالش آنجا آغاز شد که به تدریج در انتخاب کابینه و اتخاذ برخی سیاست‌های اقتصادی، موسوی گرایش اقتصاد دولتی را به معنای تام از خود نمایان کرد. از انتخابات مجلس دوم، اختلاف در درون حزب جمهوری اسلامی به صورت ملموس در حوزه‌هایی مانند اقتصاد و مسائل سیاسی نمایان شد. «اقتصاد» اصلی‌ترین عرصه بروز اختلاف سلاقی میان انقلابیون اسلام‌گرا در دهه ۱۳۶۰ شد. گروهی به شدت طرفدار اقتصاد دولتی بودند که پرچمدار آنها نخست‌وزیر وقت (میرحسین موسوی) بود؛ گروهی در طیف میانه حزب جمهوری اسلامی تعریف می‌شدند که رئیس‌جمهور و رئیس مجلس وقت (هاشمی‌رفسنجانی) بود و گروه دیگر، جناح راست بودند که عمدتاً در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و فقهای سنتی و برخی بازارها نماینده داشتند؛ گرچه گرایش این طیف عمدتاً نزدیک به رئیس‌جمهور وقت بود. «میرحسین موسوی» و کابینه او، به شدت گرایش به اقتصاد دولتی داشت، اما «آیت‌الله خامنه‌ای» این شدت را نمی‌پسندید و بعدها در این باره گفت: «آقایان همین‌طور به سمت روزه‌ریز غلط‌تر کردن اقتصاد دولتی می‌رفتند. من مثال زدم و گفتم فرض کنید یک موتور است که می‌تواند این بار سنگین را برساند و شما هم در کنار موتور راه می‌روید یا خودتان پشت فرمان می‌نشینید و هدایتش می‌کنید. شما این موتور را کنار گذاشتید و همه باری را که توی این وانت است، خودتان روی دوش گرفتید، هن و هن دارید جلو می‌روید؛ هم نمی‌رسید، هم خسته می‌شوید، هم همه بار حمل نمی‌شود، هم این موتور اینجا بیکار می‌ماند. این موتور بخش خصوصی است. این را آن زمان به آنها می‌گفتم، اثر هم نمی‌کرد. امام هم هرچه می‌گفتند به مردم بدهید، اینها می‌گفتند مراد از مردم، بخش خصوصی نیست. مراد نظر امام را توجیه می‌کردند! مردم یعنی توده مردم. به توده مردم چه جوری می‌شود کمک کرد؟ دولت اقتصاد را دست بگیرد، به توده مردم کمک کند. فرمایش امام را این‌جوری معنا می‌کردند؛ خوب، این توجیه غلط بود.» (۳) سال ۱۳۶۴، زمانی که با تکلیف امام، برای دومین بار نامزد ریاست‌جمهوری شد، در جلسه تنفیذ ریاست‌جمهوری هم از اختلاف نظر خود با ضعف‌های دولت چپ‌گرای موسوی گفت: «ریشه مشکلات امروز ما، وابستگی اقتصادی به خارج از این مرزها و منحصر بودن درآمد ما به درآمد حاصل از نفت است. فقدان یک برنامه همه‌جانبه اقتصادی و گرایش به دولتی‌سالاری یکی دیگر از مشکلات ماست که نتایج این مشکلات را در کاهش رشد اقتصادی و گاهی در رشد منفی اقتصادی مشاهده می‌کنیم. باید در زمینه اقتصادی برنامه‌ریزی مستقل از نفت انجام گیرد. گرایش به افزایش تولید داخلی به وجود آید و شدت پیدا کند و استفاده از سرمایه‌انکار، مدیریت و همکاری مردم جدی گرفته شود.» (۴) اوچ اختلاف دیدگاه و سلیقه او با جریان چپ دهه ۶۰، در انتخاب نخست‌وزیر برای دولت دوم او نمایان شد؛ جایی که به رغم میل باطنی، به امر امام (ره)، میرحسین موسوی را به عنوان نخست‌وزیر به مجلس معرفی کرد، اما اشکالات و نقدهای

یادداشت ۱

حسین سرآبادانی تفرشی

چند روز قبل، یادداشت کوتاهی یکی از نویسندگان خارج‌نشین پیرامون سیاست و تفکر اقتصادی رهبر انقلاب اسلامی در ۳۰ سال گذشته، بار دیگر بحث پیرامون اندیشه‌ها و تفکر اقتصادی ایشان را در افکار عمومی مورد توجه قرار داد. (۱) این نویسنده با دفاع از رویکرد ضد امپریالیستی و استعمارستیز «آیت‌الله خامنه‌ای» در دهه‌های گذشته در عرصه سیاست خارجی، این پرسش را مطرح کرده است که چرا ایشان در دوران ۳۰ ساله رهبری خود و با روی کار آمدن تفکرات اقتصادی لیبرال سرمایه‌داری از سال ۱۳۶۸ در دولت «مرحوم هاشمی‌رفسنجانی»، اجازه داد سیاست‌های اقتصادی عدالت‌خواهانه و طرفداری از محرومان و مستضعفان به حاشیه برود و مواضع اقتصادی ایشان، همچون عرصه سیاست خارجی، به صورت دولتی داشت، اما برابر سرمایه‌داری داخلی و جولان اقلیت سرمایه‌دار قرار نگرفته است؟ نوشته کوتاه حاضر می‌کوشد با تحلیل فرض «علی‌علیزاده» (نویسنده یادداشت مورد اشاره)، آن را از منظر اندیشه و زیست «آیت‌الله خامنه‌ای» در دوران بعد از انقلاب اسلامی، به اجمال مرور کند. فرض علیزاده آن است که: «اولاً مواضع اقتصادی ایشان در دوران قبل و بعد رهبری تغییر کرده است. ثانیاً کنش سیاسی و همدفندی در برابر پروژه حرکت اقتصاد کشور به سمت سرمایه‌داری انجام نداد، بلکه با موافقت با سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و خصوصی‌سازی حاصل از آن، زمینه و بستری توسعه سرمایه‌داری لیبرال علیه منافع طبقه محروم را سامان داده است. هر دو فرضیه در نگاه راقم این سطور، محل خدشه و اشکال است. آنچه در مرور تاریخی اندیشه، گفتارها و زیست حکومتی ایشان در ادامه می‌آید، نشان می‌دهد اولاً جهت‌گیری و نگاه اقتصادی ایشان در دهه ۶۰ و قبل از رهبری، با دوران ۳۰ ساله رهبری تفاوت ماهوی نکرده است (درحالی که این تفاوت را به راحتی می‌توان در اندیشه و سیره سیاسی «مرحوم هاشمی‌رفسنجانی» پیدا کرد) و ثانیاً بعد از سال ۱۳۶۸ به شکل‌ها و رویه‌های گوناگون تلاش کرده است، اقتصاد کشور را فراتر از الگوی سرمایه‌داری راست و سوسیالیسم چپ رهبری کند؛ گرچه در واقعیت ماشین اقتصاد ایران گاه به ورطه یکی از این دو لغزیده است. در انتهای این نوشتار نیز جمع‌بندی کوتاهی از این مرور تاریخی ارائه شده است.

دهه ۶۰، عصر مقابله با چپ شعارزده

سال ۱۳۶۰ در تلویزیون، برنامه خود را برای ریاست‌جمهوری با مردم چنین در میان گذاشت: «اهتمام به امور مربوط به جنگ تحمیلی، نیل سیاست‌های اقتصادی به‌سوی حمایت از مستضعفان و دورافتادگان از مرکز، طاغوت‌زدایی از همه شئون زندگی اداری، اجتماعی و سیاسی مردم ایران، تامین امنیت اجتماعی، کشف و به‌کارگیری استعدادهای انسانی در همه عرصه‌ها از تکنیک تا هنر و...» (۲) با آنکه «میرحسین موسوی»، اولین گزینه او برای